

*Original Research*

## Relative Satisfaction from Employability of graduates of Iranian technical and vocational colleges

Reza Mahdi<sup>1\*</sup>, Ahmad Keykha<sup>2</sup>

<sup>1</sup> PhD in Higher Education, Department of Futures Study, Institute for Social and Cultural Studies (ISCS), Tehran, Iran.

<sup>2</sup> PhD Student in Higher Education, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

---

### ARTICLE INFO

**Received:** 08.04.2020

**Revised:** 12.02.2020

**Accepted:** 02.12.2021

---

**Keyword:**

Entrepreneurial University

Employability

Technical Graduates

Skill Training

Technical and Vocational

Education and Training (TVET)

---

**\*Corresponding Author:**

Reza Mahdi

**Email:** mahdi002@gmail.com

---

### ABSTRACT

With the aim of success in the labor market and improving the level of employability, developing the skills and competencies of students and graduates is one of the criteria for evaluating the quality of higher education institutions, especially community-based and entrepreneurial universities. Due to the importance of employability of graduates, this study was conducted with the aim of investigating the level of employability of graduates of technical and vocational colleges from the perspective of cultural and student deputies by survey method. The statistical population of the study consists of all deputies, from which 107 people selected by full census method. A researcher-made questionnaire adapted from the De Vos & Soens questionnaire used to data gathering. The Content Validity of this questionnaire confirmed by experts and its reliability confirmed by Cronbach's alpha coefficient of 0.87. From the perspective of the deputies who have the most socio-political relations with students and graduates, the employability of graduates evaluated at a desirable level. The results of statistical tests show that there is a significant difference between the opinions of deputies in the field of employability and the level of employability of graduates of all colleges is not the same and in comparison, some have better performance and provide more chances for their graduates to get a suitable job.

---

## رضایت نسبی از اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش‌شکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای ایران

رضا مهدی<sup>۱\*</sup>، احمد کیخا<sup>۲</sup>

۱- دکتری آموزش عالی، گروه مطالعات آینده‌نگر، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.  
۲- دانشجوی دکتری آموزش عالی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### چکیده

### اطلاعات مقاله

با هدف موفقیت در بازار کار و ارتقای سطح اشتغال‌پذیری، توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان، یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت نهادهای آموزش عالی به‌ویژه دانشگاه‌های جامعه‌محور و کارآفرین است. با توجه به اهمیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان این پژوهش با هدف بررسی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش‌شکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای از دیدگاه معاونان فرهنگی و دانشجویی به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را تمامی معاونان تشکیل می‌دهند که از این بین ۱۰۷ نفر به روش سرشماری کامل انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته اقتباس شده از پرسشنامه دی‌وس و سوئنز استفاده شده است. روایی محتوایی این پرسشنامه به تأیید خبرگان این حوزه رسیده و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۷ تأیید شده است. از دیدگاه معاونان که بیشترین ارتباط اجتماعی-سیاسی با دانشجویان و دانش‌آموختگان دارند، اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود. نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که میان نظرات معاونان، تفاوت معناداری در زمینه اشتغال‌پذیری وجود دارد و سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان همه دانشکده‌ها و آموزش‌شکده‌ها یکسان نبود و در مقام مقایسه، برخی، عملکرد بهتری داشتند و شانس بیشتری برای کسب شغل مناسب برای دانش‌آموختگان خود فراهم می‌کنند.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴

### کلید واژگان:

دانشگاه کارآفرین  
اشتغال‌پذیری  
دانش‌آموختگان فنی  
مهارت‌آموزی  
آموزش فنی‌وحرفه‌ای

\*نویسنده مسئول: رضا مهدی  
پست الکترونیکی:  
mahdi002@gmail.com

## مقدمه

اشتغال‌پذیری<sup>۱</sup> دانش‌آموختگان دانشگاهی، اهمیت فوق‌العاده‌ای در جهان پیدا کرده و دانش نظری و پژوهشگران متعددی در یک دهه اخیر، ادبیات مفهوم آن را توسعه داده‌اند. رواج مفهوم اشتغال‌پذیری در پرتو پیوندهای بین رشد اقتصادی و نیروی کار ماهر، به همراه رشد سریع دانش‌آموختگانی که وارد بازار کار می‌شوند، توسعه پیدا کرده است. همچنین، بین اشتغال (کسب یک شغل) و اشتغال‌پذیری (تجهیز دانشجویان از طریق آموزش‌های دانشگاهی به دانش موضوعی و سایر ویژگی‌ها برای استخدام شدن در صورت وجود فرصت‌های شغلی در بازار کار یا وجود شرایط خوداشتغالی و نظایر آن)، تمایز ذهنی و عینی وجود دارد. نمی‌توان گفت که تمامی فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان به دانشگاه‌ها وابسته است، برعکس، باید در پی شناخت این موضوع بود که چه جنبه‌هایی از فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی می‌توانند و باید در دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی معرفی شود (واکر و مک‌لین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

در پی رکودهای بزرگ به‌وجودآمده در سراسر جهان، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای به‌منابها یک راه‌حل برای تعدیل نرخ بیکاری جوانان تبدیل شده است؛ زیرا ارتباط تنگنگی میان مهارت‌های ارائه شده توسط نهادهای آموزشی فنی‌وحرفه‌ای و مهارت‌های موردنیاز کارفرمایان وجود دارد که گذار به بازار کار را تسهیل می‌کند (کوربر و اوش<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). از این رو، از آموزش عالی فنی‌وحرفه‌ای به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از بحران بیکاری موجود در جهان یاد می‌شود و بسیاری از کشورها با ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری بیشتر بر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی علاوه بر کاهش نرخ بیکاری و تأمین نیروی انسانی متخصص موردنیاز خود، به دنبال توسعه زیست‌بوم‌های خود و افزایش رقابت در سطوح بین‌المللی می‌باشند.

امروزه، آموزش عالی ایران نیز با انبوهی از دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار مواجه است که دلایل این کژکارکردی را می‌توان منسوخ بودن برنامه‌های آموزشی و درسی، گسست دانشگاه‌ها با صنعت و جامعه، کاربردی نبودن پژوهش‌ها، افزایش جمعیت دانشجویان و دانش‌آموختگان، تمرکزگرایی، وضعیت نامطلوب اقتصادی، ضعف فرهنگ کارآفرینی در جامعه، عدم‌هدایت تحصیلی پیشادانشگاهی، افت کیفیت آموزش، کمبود منابع مالی، ضعف سیستم پذیرش دانشجویان، ضعف زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و نظایر اینها برشمرد. دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی ایران به‌ویژه دانشگاه‌های مهارتی از جمله دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای با توجه به تأکید سیاست‌ها و چشم‌اندازهای کشور بر تولید ملی و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، نقش راهبردی در توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور ایفا می‌کنند. از این رو، پرداختن به مسئله اشتغال و اشتغال‌پذیری دانشجویان و دانش‌آموختگان به‌ویژه نقش آن در رشد اجتماعی-اقتصادی کشورها به یک نیاز جدی در پژوهش‌های آموزش عالی تبدیل شده است (درویشان و همکاران، ۱۳۹۸؛ آلتبیکر و استرومی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). مطالعات نشان می‌دهد که با گسترش آموزش عالی در دو دهه اخیر، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی از نرخ بیکاری عمومی کشور بیشتر شده است. به طوری که بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران نرخ بیکاری عمومی ۱۲.۳ درصد و این نرخ برای دانش‌آموختگان دانشگاهی ۱۵.۳ درصد بوده است. همچنین، بر اساس مطالعات دفتر ارتباط با صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۸ سطح اشتغال در دوره‌های کاردانی (عمدتاً آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی) ۵۹.۸ درصد، دوره‌های کارشناسی ۵۲.۹ درصد، دوره‌های کارشناسی ارشد ۶۳.۶ درصد و دوره‌های دکتری ۸۱.۶ درصد بوده است. به علاوه، بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در ۱۳۹۷ در کل کشور ۱۸.۳ درصد با جمعیتی بالغ بر ۱.۴ میلیون نفر می‌باشد که با نرخ بیکاری عمومی (کمتر ۱۲ درصد) فاصله زیادی دارد. بنابراین، توجه به اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی، یکی از دغدغه‌های اصلی نظام آموزش

1 Employability

2 Walker &amp; McLean

3 Korber &amp; Oesch

4 Altbeker &amp; Storme

عالی است و اشتغال دانش‌آموختگان یکی از معیارهای اصلی مقایسه و رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان است. بنابراین، هدف از این پژوهش، بررسی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان فنی‌و حرفه‌ای از دیدگاه معاونان فرهنگی و دانشجویی آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌و حرفه‌ای از طریق پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد. پاسخ به سؤالات پژوهش و بررسی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان به روش پیمایش انجام شده است.

- ۱) سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌و حرفه‌ای از دیدگاه جامعه آماری چگونه ارزیابی می‌شود؟ (سؤال اصلی)
- ۲) آیا اختلاف معنی‌داری بین دیدگاه‌های افراد جامعه آماری در خصوص «سهولت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان فنی‌و حرفه‌ای» بر حسب جغرافیای فعالیت وجود دارد؟
- ۳) آیا اختلاف معنی‌داری بین دیدگاه‌های افراد جامعه آماری در خصوص «سهولت کسب شغل هم‌سو با مهارت‌های تحصیلی» بر حسب جغرافیای فعالیت وجود دارد؟
- ۴) آیا اختلاف معنی‌داری بین دیدگاه‌های افراد جامعه آماری در خصوص «کسب مشاغلی با سطح بالایی از رضایت شغلی» بر حسب جغرافیای فعالیت وجود دارد؟
- ۵) آیا اختلاف معنی‌داری بین دیدگاه‌های افراد جامعه آماری در خصوص «کفایت دوره‌های تحصیلی فنی‌و حرفه‌ای در مهارت‌پروری دانش‌آموختگان» بر حسب جغرافیای فعالیت آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌و حرفه‌ای وجود دارد؟
- ۶) آیا به‌طور کلی اختلاف معنی‌داری بین دیدگاه‌های افراد جامعه آماری در خصوص اشتغال دانش‌آموختگان بر حسب جغرافیای فعالیت آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌و حرفه‌ای وجود دارد؟

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

شرایط اشتغال در بازار کار، بی‌ثبات می‌باشد که چنین شرایطی مسیریها و انتظارات شغلی را در آینده با ابهام مواجه کرده است (کورتلازو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ هافستر و روزنبلات<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ بریسکو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). دانشگاه‌ها از مجرای خلق و تسهیم دانش به اقتصاد زیست‌بومی که در آن جای گرفته‌اند کمک می‌کنند و اشتراک دانش آنها به‌صورت تربیت دانش‌آموختگانی با توانمندی‌های مناسب در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (بریدجوستک و جکسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ بودن و ندئو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). از این رو، اشتغال دانش‌آموختگان به موضوع چالش‌برانگیز جهانی در حوزه کارکردهای دانشگاه‌ها تبدیل شده است (لورد<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ جکسون و بریدجوستک، ۲۰۱۸؛ کالفا و تاکسا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵). در واقع، در سه دهه اخیر، نقش دانشگاه‌ها در این زمینه با دقت بیشتری بررسی می‌شود؛ زیرا همبستگی محکمی میان تجربیات (آموخته‌های) آموزشی با نیازهای اقتصادی در سراسر جهانی وجود دارد (اسمیت<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۸) دانش و مهارت‌های کسب شده به‌مثابه محرک رشد در اقتصادهای دانش‌بنیان در کشورهای پیشرفته شناخته شده است. نقش سنتی نظام‌های آموزش عالی در سال‌های اخیر، دست‌خوش دگرگونی شده است و بسیاری از دانشگاه‌ها شروع به حرکت به سمت اثرگذاری بر اشتغال دانش‌آموختگان‌شان از رهگذر روش‌های گوناگونی همچون ایجاد فرصت‌های در بازار کار،

1 Cortellazzo

2 Hofstetter & Rosenblatt

3 Briscoe

4 Bridgstock & Jackson

5 Boden & Nedeva

6 Lord

7 Kalfa & Taksa

8 Smith

کارآفرینی، ظرفیت‌سازی اقتصادی (برای اشتغال دانش‌آموختگان) و غیره کرده‌اند (ایتزکویتز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) مفهوم اشتغال دانش‌آموختگان، مفهومی پُرابعاد و فوق‌العاده پیچیده‌ای است که ارائه تعریف همگرا از آن را با دشواری مواجه ساخته است (بودن و ندنو، ۲۰۱۰؛ تستیسکاری<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). تعاریف اولیه از اشتغال دانش‌آموختگان بر نتایج اشتغال، یعنی گرفتن شغل پس از پایان تحصیلات دانشگاهی و حفظ شغل یا انتقال به یک کار جدید تأکید داشت (آزودو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲؛ آمودت و هاوونز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) اما با توجه به اینکه اشتغال و بیکاری ممکن است تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند چرخه اقتصادی قرار گیرند؛ تحقیقات اخیر، مفهوم اشتغال دانش‌آموختگان را به‌مثابه ویژگی‌های فردی بازتعریف کرده است (یورک و نایت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). در واقع، اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان، نشان‌دهنده طیف گسترده‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی است (کرانمر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶).

اگرچه پیوسته در طول تاریخ اجتماعی دانشگاه، وظیفه دانشگاه ایجاد شغل برای دانشجویان نبوده است، اما این استدلال وجود دارد که دانشگاه‌ها می‌توانند (و باید) از طریق سازوکارهای یادهی-یادگیری، اخلاق و ارزش‌ها، تشویق و ترغیب و ترویج مشارکت فعالانه در فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی (فوق‌برنامه‌های درسی) در تقویت اشتغال‌پذیری دانشجویان و دانش‌آموختگان نقش‌آفرینی کنند. درحالی‌که اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان تحت تأثیر طیف وسیعی از عوامل و ذی‌نفعان است، دانشگاه‌ها همچنان دارای نقش حیاتی در تقویت اشتغال‌پذیری و تجهیز و آماده‌سازی دانشجویان با دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و اعتماد و اطمینان به شناسایی و خلق فرصت‌های زیادی برای ایجاد مشاغل هستند. برای مثال، شناخت و اعتماد به اینکه ورود به یک شغل سطح پایین می‌تواند امری برای پیشرفت شغلی یک فرد باشد، برخلاف این تفکر که تنها جایگاه‌های شغلی سطح بالا در بدو ورود به بازارکار باید پیگیری شوند. این مسئله، مستلزم تقویت عاملیت دانشجو و اعتماد و اطمینان به انتخاب کارکردهای ارزشمند چندگانه از گنجینه گسترده قابلیت‌هاست. در مجموع، هر چند اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان به معنای آن نیست که دانشگاه‌ها باید دست به هر کاری بزنند تا دانش‌آموختگان آنها بتوانند به شغل موردنظر دست یابند، اما به این معنا هم نیست که هیچ کاری که دانشگاه‌ها بتوانند برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان خود انجام دهند، وجود ندارد (واکر و مک‌لین، ۲۰۱۳). امروزه با تغییر جهت‌ها در آموزش و سیاست بازار کار موجب ظهور اقتصاد دانش‌بنیان شده است که دانشگاه‌ها تحت فشار زیادی به‌منظور تربیت دانش‌آموختگان اشتغال‌پذیر قرار گرفته‌اند؛ زیرا اشتغال‌پذیری به عنوان یک هدف فراگیر برای سیاست‌های ملی و فراملی به دلیل توجه به بحران بیکاری است. این موارد اصولاً از طریق پیشرفت و کاربرد دانش به‌دست می‌آید؛ در نتیجه، توسعه و گسترش آموزش عالی برای تولید، انتشار و کاربرد دانش و ایجاد ظرفیت‌های فنی‌حرفه‌ای، ضروری است که اگر نظام آموزش و کارآموزی کشورهای در حال توسعه و برخی از کشورها با اقتصادهای در حال گذار، یادگیرندگانی را با توجه به نیاز آنها تعلیم ندهد و مهارت‌های لازم را به آنها نیاموزد در رقابت مبتنی بر دانش کنار گذاشته یا ناچیز شمرده می‌شوند (صالحی عمران و رحمانی، ۱۳۹۲).

درویشان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش طراحی مدل مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی، به این نتیجه دست یافتند که هفده مهارت اصلی از دید فعالان بازار به عنوان مهارت‌های اصلی موردنیاز دانش‌آموختگان برای ورود و فعالیت در بازار کار بودند. لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی، به طراحی الگوی مهارت‌محوری برای دانشجویان فنی‌حرفه‌ای بر پایه الگو داده‌بنیاد پرداختند. یافته‌ها شامل: مقوله محوری (رفتاری و شخصیتی،

1 Etzkowitz

2 Tsitskari

3 Azevedo

4 Aamodt &amp; Havens

5 Yorke &amp; Knight

6 Cranmer

اجتماعی - ارتباطی، فرهنگی، رسانه‌ای، اداری-سیاسی، مالی، علمی، عملی و یدی، حرفه‌ای و صنعتی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت و رهبری)، مقوله مداخله‌گر (ساختاری، نیروی انسانی، امکانات و تسهیلات)، مقوله زمینه‌ای (فرهنگی، منابع و امکانات، اسنادبالا دستی)، مقوله راهبردها (فرهنگ‌سازی، توسعه زیرساخت‌ها و بستر لازم مهارت‌محوری، سیاست‌گذاری متناسب با مهارت‌محوری؛ استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود) می‌شد. پوراآتش (۱۳۹۷) در مطالعه ارزیابی نقاط قوت و راهکارهای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی، به این نتیجه رسیده است که نقاط قوت دانشگاه در سه دسته شامل نیروی انسانی، امکانات و تجهیزات، و پشتیبانی است. براساس تحلیل محتوا، راهکارهای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی در سه مقوله اصلی آموزش، تعامل‌ها و خدمات و هشت مقوله فرعی شامل محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، دانش و یادگیری، ارتباطات فردی، ارتباطات سازمانی، مشاوره، فرهنگی و پشتیبانی دسته‌بندی کرده است. از جمله راهکارها برای ارتقای مهارت اشتغال‌پذیری دانشجویان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مانند کارگاه رزومه‌نویسی و اجرای هدفمند و مناسب طرح کارآموزی بود. سپهوند و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به تأثیر جهت‌گیری و برنامه‌ریزی مسیر شغلی متنوع بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی پرداختند و نتایج، تحقیق حاکی از تأثیر مثبت جهت‌گیری مسیر شغلی متنوع بر برنامه‌ریزی مسیر شغلی و همچنین تأثیر مثبت برنامه‌ریزی مسیر شغلی بر سرمایه‌های مسیر شغلی (انسانی، اجتماعی و روانشناختی) بود و علی‌رغم تأیید تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی و روانشناختی بر اشتغال‌پذیری افراد، تأثیر سرمایه انسانی بر اشتغال‌پذیری تأیید نشده و در نهایت، سرمایه اجتماعی، مهم‌ترین مسیر شغلی برای ارتقای اشتغال‌پذیری شناخته شده است. نادری مهدی و همکاران (۱۳۹۴) در واكوی اشتغال‌پذیری دانشجویان زن با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته به این نتیجه رسیدند که میانگین امتیاز مؤلفه مهارت‌های ارزیابی، بیشتر از سایر ابعاد اشتغال‌پذیری است. همچنین، در مؤلفه‌های مهارت‌های عمومی، مهارت حل مسئله، مهارت‌های عددی و حساسی، کیفیت‌های فردی، مهارت‌های ارزیابی و یادگیری توسعه شغلی از توانمندی مطلوبی برخوردارند، اما میانگین مؤلفه معرفی خود به کارفرما به‌طور معناداری پایین‌تر از حد مطلوب بوده است. بیگدلی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش بررسی رابطه میان رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، به این نتیجه رسیده‌اند که بین رشته‌های تحصیلی، اشتغال و تناسب شغلی، ارتباط معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که بین رشته‌های تحصیلی روانشناسی بالینی، مشاوره، کتابداری و کودکان استثنائی وضعیت اشتغال و تناسب شغلی، بهتر از دیگر رشته‌ها می‌باشد. روتول<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی خودادراکی اشتغال‌پذیری دانشجویان دوره کارشناسی‌ارشد در نتایج خود، چهار مؤلفه کلیدی شامل شهرت دانشگاه، اعتمادبه‌نفس فردی، عوامل بازار کار خارجی و تعامل با رشته و عملکرد دانشگاهی را برشمردند. سینگ و سینگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش بررسی مهارت‌های اشتغال دانش‌آموختگان در مالزی، به این نتیجه رسیدند که کارفرمایان، بیشتر تمایل دارند دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی را استخدام کنند.

والکر<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه موردی در چهار دانشگاه کشور آفریقای جنوبی دریافته است که میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی نابرابر، فرصت‌های دانشجویان را محدود یا بیشتر می‌کند و به‌ویژه بر دانشجویان طبقه کارگر تأثیر می‌گذارد. همبستگی میان ابعاد سرمایه اجتماعی در هر یک از دانشگاه‌های مورد مطالعه، روشن کرده است که تفسیر محدود از اشتغال‌پذیری به‌مثابه سرمایه انسانی، دانشجویان به حاشیه رانده‌شده را نادیده می‌گیرد و مزیت آن‌ها را پنهان می‌کند. عوامل مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان می‌تواند به سه بعد هم‌پوشان فردی، دانشگاهی و عوامل بیرونی تقسیم شود که در این تقسیم‌بندی باید تلاقی‌های هم‌پوشان سرگذشت‌های فردی دانشجویان، آنچه دانشگاه می‌تواند ارائه دهد و نفوذ بازار کار و سیاست‌های عمومی مورد توجه قرار گیرد. برخی دانشجویان وضع بهتری در انتخاب دانشگاه و رشته تحصیلی

1 Rothwell

2 Singh &amp; Singh

3 Walker

دارند، برخی دانشجویان نیازمند وام‌های تحصیلی هستند، برخی دانشجویان به دلیل شهرت دانشگاه محل تحصیل، در میان کارفرمایان از مزیت برخوردارند، برخی دانشجویان قادر به انتخاب حوزه‌هایی با امکان تحصیل و کار با اشتغال پردرآمد هستند، برخی دانشجویان به دوره‌های کارآموزی و شبکه‌هایی دسترسی دارند که فرصت‌های مصاحبه را در اختیار آن‌ها می‌گذارد، و برخی از دانشجویان می‌دانند چگونه از دفتر مشاغل دانشگاه و فرصت‌های فوق‌برنامه درسی، به‌نحو بهتری استفاده کنند.

## روش شناسی

با توجه به هدف پژوهش، این تحقیق از لحاظ نوع، کاربردی و روش اجرای آن، پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، تمامی معاونان فرهنگی و دانشجویی آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای می‌باشد که از ۱۰۷ نفر از آنها به روش سرشماری کامل در این تحقیق مشارکت داشتند و پرسشنامه را تکمیل کردند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه چهارسؤالی محقق‌ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه، مقتبس از پرسشنامه (دی‌وس و سوئنز، ۲۰۰۸) است (جدول ۱).

جدول ۱. گزاره‌های چهارگانه پرسشنامه تحقیق

ردیف	برش‌ها (گزاره‌های پرسشنامه)
۱	دانش‌آموختگان دانشکده/آموزشکده‌ها در مقایسه با دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها راحت‌تر می‌توانند شغل مورد علاقه خود را به‌دست آورند.
۲	دانش‌آموختگان دانشکده/آموزشکده‌ها به‌راحتی می‌توانند شغلی که با تحصیلات و مهارت‌های خود مرتبط است را به‌دست آورند.
۳	دانش‌آموختگان دانشکده/آموزشکده‌ها قادر به به‌دست آوردن شغلی هستند که سطح بالایی از رضایت را به آنها بدهد.
۴	دانشجویان دانشکده/آموزشکده‌ها در دوره تحصیل به حد کفایت، به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای به‌دست آوردن شغل مناسب، مجهز می‌شوند.

روایی پرسشنامه، به تأیید پنج تن از خبرگان آموزش عالی رسید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در سطح ۰.۸۷ تأیید شد. گزینه‌های پاسخ پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت (از عدد یک به عنوان به شدت مخالفم، عدد دو مخالفم، عدد سه نظری ندارم، عدد چهار موافقم و عدد ۵ کاملاً موافقم) می‌باشد. روایی محتوایی این پرسشنامه به تأیید خبرگان این حوزه رسیده و برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و با میزان ۰.۸۷ پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون واریانس، کای دو و آزمون تعقیبی LSD استفاده شده است.

## یافته‌ها

بر اساس سؤالات تحقیق و گزاره‌های چهارگانه پرسشنامه، یافته‌های پژوهش در پنج بخش مختلف به شرح زیر جمع‌بندی و تدوین شده است.

الف) راحتی و سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای در مقایسه با دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها  
 نظرات جامعه آماری به پرسش «راحتی و سهولت کسب شغل مورد علاقه توسط دانش‌آموختگان» فنی‌وحرفه‌ای به شرح جدول ۲ می‌باشد.

## جدول ۲. تحلیل گویه اول پرسشنامه (راحتی به دست آوردن شغل مورد علاقه)

درصد فراوانی	فراوانی نظرات	طیف پاسخ جامعه آماری
۸۴۱	۹	به شدت مخالفم
۱۸۷	۲	مخالفم
۱۸۷	۲	نظری ندارم
۴۸۶۰	۵۲	موافقم
۳۹۲۵	۴۲	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۰۷	جمع کل
میانگین سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان		قلمرو جغرافیایی پاسخ‌دهندگان
۴۳۱		شرق کشور (شمال و جنوب شرق)
۳۴۹		غرب کشور (شمال و جنوب غرب)
۴۵۵		شمال کشور
۴۴۵		جنوب کشور
۴۴۳		مرکز کشور
۴۰۸		جمع کل

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ اعضای جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۴۸/۶۰ درصد می‌باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در وضعیت فعلی، دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای کشور، اشتغال‌پذیری راحت‌تری نسبت به دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها دارند. همچنین، نشان می‌دهد که درباره «راحتی و سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان» و قلمرو جغرافیایی، بهترین نتایج به ترتیب مربوط به آموزشکده‌ها و دانشکده‌های شمال، جنوب، مرکز و شرق و غرب کشور می‌باشد.

نتایج آزمون کای دو (جدول ۳) نشان می‌دهد که درباره «راحتی و سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان» در میان نظرات افراد جامعه آماری بر حسب قلمرو جغرافیایی، اختلاف معناداری وجود ندارد.

## جدول ۳. آزمون کای دو برای بررسی اختلافات معنی‌دار میان نظرات افراد جامعه آماری

معناداری	درجه آزادی	مقدار
۰۶۹.	۱۶	Pearson Chi-Square ۲۵۰۵۲
۰۲۸.	۱۶	Likelihood Ratio ۲۸۴۵۹
۰۱۶.	۱	Linear-by-Linear Association ۵۷۵۸
	۱۰۷	N of Valid Cases

ب) راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی توسط دانش‌آموختگان دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای

نظرات اعضای جامعه آماری به پرسش «راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی توسط دانش‌آموختگان» فنی‌وحرفه‌ای به شرح جدول ۴ می‌باشد.

## جدول ۴. تحلیل گویه دوم پرسشنامه (راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی)

درصد فراوانی	فراوانی نظرات	طیف پاسخ جامعه آماری
۹۳۵	۱۰	به شدت مخالفم



مخالقم	۱۰	۹.۳۵
نظری ندارم	۶	۵.۶۱
موافقم	۵۹	۵۵.۱۴
کاملاً موافقم	۲۲	۲۰.۵۶
جمع کل	۱۰۷	۱۰۰

میانگین سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی	قلمروی جغرافیایی پاسخ‌دهندگان
۳.۸۱	شرق کشور (شمال و جنوب شرق)
۳.۱۵	غرب کشور (شمال و جنوب غرب)
۴.۰۰	شمال کشور
۴.۲۷	جنوب کشور
۳.۹۷	مرکز کشور
۳.۶۸	جمع کل

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۵۵.۱۴ درصد می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان، راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی در آموزشکده‌ها و دانشکده‌های جنوب کشور را با میانگین ۴/۲۷ بالاترین سطح و پس از آن، مرکز کشور با میانگین ۳/۹۷ ارزیابی کرده‌اند.

نتایج آزمون کای دو (جدول ۵) نشان می‌دهد که درباره راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی در بین پاسخ‌دهندگان بر حسب قلمروی جغرافیایی، اختلاف معناداری وجود دارد. این اختلاف می‌تواند ناشی از امکانات، جمعیت و وضعیت فرهنگی هر منطقه باشد.

جدول ۵. آزمون کای دو بررسی اختلافات معنادار پاسخ‌دهندگان

معناداری	درجه آزادی	مقدار
۰.۱۴.	۱۶	۳۰.۹۴۶
۰.۰۳.	۱۶	۳۶.۲۹۸
۰.۲۶.	۱	۴.۹۲۴
		N of Valid Cases
		۱۰۷

ج) کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی از سوی دانش‌آموختگان دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای نظرات جامعه آماری نسبت به پرسش «کسب شغل مرتبط با سطح بالایی از رضایت شغلی توسط دانش‌آموختگان» فنی‌وحرفه‌ای به شرح جدول ۶ می‌باشد.

جدول ۶. تحلیل گویه سوم پرسشنامه (کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی)

درصد فراوانی	فراوانی نظرات	طیف پاسخ جامعه آماری
۶.۵۴	۷	به‌شدت مخالفم
۱۲.۱۵	۱۳	مخالقم
۲۶.۱۷	۲۸	نظری ندارم
۴۰.۱۹	۴۳	موافقم

کاملاً موافقم	۱۶	۱۴.۹۵
جمع کل	۱۰۷	۱۰۰
<b>میانگین کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی</b>		
قلمرو جغرافیایی پاسخ‌دهندگان		
شرق کشور (شمال و جنوب شرق)		۳.۲۵
غرب کشور (شمال و جنوب غرب)		۳.۰۵
شمال کشور		۴.۲۷
جنوب کشور		۳.۷۳
مرکز کشور		۳.۶۸
جمع کل		۳.۴۵

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ اعضای جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۴۰.۱۹ درصد می‌باشد. همچنین، افزون بر این در زمینه «کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی» آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌های شمال کشور با میانگین ۴/۲۷ بالاترین سطح و پس از آن، آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌های جنوب با میانگین ۳/۷۳ در رتبه دوم ارزیابی شده‌اند.

نتایج آزمون کای دو (جدول ۷) نشان می‌دهد که درباره «کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی» در بین پاسخ‌دهندگان بر حسب قلمروی جغرافیایی، اختلاف معنی‌داری وجود دارد. این تفاوت ناشی از سطح زندگی و دستمزدهای متفاوت، نوع مشاغل هر منطقه، بافت فرهنگی هر زیست‌بوم و نظایر آنها می‌باشد.

جدول ۷. آزمون کای دو برای بررسی اختلافات معنادار نظرات افراد جامعه آماری

	مقدار	درجه آزادی	معنی‌داری
Pearson Chi-Square	۳۴.۰۳۹	۱۶	۰.۰۵.
Likelihood Ratio	۳۷.۳۰۷	۱۶	۰.۰۲.
Linear-by-Linear Association	۵.۱۷۲	۱	۰.۲۳.
N of Valid Cases	۱۰۷		

د) کفایت دوره‌های تحصیلی برای تجهیز دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب نظرات جامعه آماری، نسبت به پرسش «کفایت دوره‌های تحصیلی فنی‌وحرفه‌ای برای تجهیز دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب» در دانشکده‌ها و آموزش‌شده‌ها به شرح جدول ۸ می‌باشد.

جدول ۸. تحلیل گویه چهارم پرسشنامه (کفایت دوره‌های تحصیلی در مهارت‌افزایی برای کسب شغل مناسب)

درصد فراوانی	فراوانی نظرات	طیف پاسخ جامعه آماری
۷.۴۸	۸	به شدت مخالفم
۲۰.۵۶	۲۲	مخالفم
۸.۴۱	۹	نظری ندارم
۵۴.۲۱	۵۸	موافقم
۹.۳۵	۱۰	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۰۷	جمع کل

میانگین کفایت دوره های تحصیلی در مهارت افزایشی برای کسب شغل مناسب	قلمروی جغرافیایی پاسخ‌دهندگان
۵۲	شرق کشور (شمال و جنوب شرق)
۱۱۹	غرب کشور (شمال و جنوب غرب)
۴۰	شمال کشور
۳۸	جنوب کشور
۱۱۲	مرکز کشور
۳۶۱	جمع کل

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ افراد جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۵۴.۲۱ درصد می‌باشد. به عبارتی، آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای از حیث کفایت مهارت فزایی نیز در وضعیت مطلوبی ارزیابی می‌شود. همچنین نتایج جدول حاکی است که درباره «کفایت دوره های تحصیلی فنی‌و حرفه‌ای برای تجهیز دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب» پاسخ‌دهندگان، آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌های غرب را با میانگین ۱۱۹ بالاترین و پس از آن، آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌های مرکز را با میانگین ۱۱۲ بالاتر ارزیابی کرده اند. نتایج آزمون کای دو (جدول ۹) نشان می‌دهد که درباره «کفایت دوره‌های تحصیلی فنی‌و حرفه‌ای برای تجهیز دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب» در میان پاسخ‌دهندگان بر حسب قلمروی جغرافیایی اختلاف معناداری وجود دارد. این تفاوت را می‌توان در کیفیت آموزش‌های هر منطقه جستجو و تبیین کرد. کیفیت آموزش، متأثر از عوامل گوناگونی است.

#### جدول ۹. آزمون کای دو برای بررسی اختلافات معنی‌دار نظرات پاسخ‌دهندگان

معناداری	درجه آزادی	مقدار
۰.۱۹	۱۶	Pearson Chi-Square ۲۹.۷۴۰
۰.۰۴	۱۶	Likelihood Ratio ۳۴.۸۴۳
۰.۲۵	۱	Linear-by-Linear Association ۵.۰۲۷
		N of Valid Cases ۱۰۷

ه) سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌های فنی‌و حرفه‌ای برای ارزیابی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌ها (پاسخ به سؤال اصلی نخست پژوهش) از آزمون آماری تی استفاده و نتایج آن به شرح جدول ۱۰ ارائه شده است.

#### جدول ۱۰. نتایج آزمون آزمون تی درباره سطح اشتغال‌پذیری

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	درجه آزادی	معیار تصمیم	آماره t
۰.۰۹	۰.۹۷	۳۶۵	۱۰۷	۱۰۶	۰.۰۰۱	۶.۶۳

با توجه به نتایج جداول ۱۰ میانگین نظرات افراد جامعه آماری درخصوص اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان بیش از ارزش آزمون است و میانگین دیدگاه‌های ۸۴ نفر از اعضای جامعه بیش از ۴ می‌باشد. به عبارتی، بر اساس آزمون تی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان فنی‌و حرفه‌ای ایران براساس طیف لیکرت، در سطح مطلوب ارزیابی می‌شود. همچنین، آزمون تحلیل واریانس (جدول ۱۱) درباره دیدگاه‌های اعضای جامعه آماری درباره اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که بین نظرات افراد تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی، سطح اشتغال‌پذیری

دانش‌آموختگان همه دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها یکسان نمی‌باشد و برخی از آنها در مقایسه با برخی دیگر، به دلایل گوناگون درونی و بیرونی عملکرد بهتری داشته و شانس کسب شغل بهتری فراهم می‌کنند.

جدول ۱۱. آزمون تحلیل واریانس درباره تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص اشتغال‌پذیری

حداکثر حدادق	فاصله اطمینان		خطای استاندارد	میانگین	تعداد
	بالا	پایین			
۱۹.۰۰	۱۶.۰۳۹۸	۱۳.۲۱۰۲	۶۶۳۸۰	۱۴۶۲۵۰	۱۶
۲۰.۰۰	۱۴.۳۵۱۹	۱۱.۱۳۵۲	۷۹۴۴۸	۱۲.۷۴۳۶	۳۹
۲۰.۰۰	۱۸.۲۶۶۳	۱۴.۶۴۲۸	۸۱۳۱۲	۱۶.۴۵۴۵	۱۱
۱۸.۰۰	۱۷.۲۶۷۹	۱۴.۵۵۰۳	۶۰۹۸۴	۱۵.۹۰۹۱	۱۱
۲۰.۰۰	۱۶.۷۶۷۸	۱۴.۸۳۲۲	۴۷۳۱۹	۱۵.۸۰۰۰	۳۰
۲۰.۰۰	۱۵.۳۲۹۷	۱۳.۸۴۷۹	۳۷۳۷۰	۱۴.۵۸۸۸	۱۰۷

### بحث و نتیجه‌گیری

با هر رویکرد و چشم‌اندازی نمی‌توان از نقش و جایگاه آموزش عالی در توسعه انسان (دانشجو)، توسعه پایدار و عدالت اجتماعی چشم‌پوشی کرد. آژانس‌های دخیل در توسعه جهانی مانند یونسکو، برنامه توسعه ملل متحد، بانک جهانی و بسیاری از سازمان‌های توسعه‌ی دیگر بر این باورند که برای رسیدن به توسعه و برابری، آموزش فردی و اجتماعی اهمیت بسیار زیادی دارد (مهدی و بارانی، ۱۳۹۸). این امر نشان از اهمیت خطیر نظام‌های دانشگاهی در توسعه همه‌جانبه زیست‌بوم‌های گوناگون است. لیکن، با توجه به ضرورت و اهمیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی در این پژوهش تلاش شده است تا تحلیل واقع‌گرایی از سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای از دیدگاه معاونان فرهنگی و دانشجویی ارائه شود. آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که امکان اشتغال و بدست آوردن شغل مناسب توسط دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود. بنابراین، یافته‌های این پژوهش گویای تأیید اشتغال مطلوب دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای و اجماع خوب در میان معاونان فرهنگی و دانشجویی در مورد مطلوبیت وضعیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان و به تبع آن، کارآمدی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در گستره کشور است. چنین پیامی می‌تواند نوید خوبی در زمینه سرمایه‌گذاری دولت و ملت در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی کشور باشد. لازم است این سرمایه‌گذاری‌ها روند افزایشی به خود بگیرند و از سطح «مقدار بحرانی<sup>۱</sup>» عبور کنند تا سرمنشأ تأثیرات شگرف در توسعه و پیشرفت کشور شوند. به علاوه، نتایج تفصیلی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان در حیطه‌های مختلف ارزیابی شامل: ۱. راحتی و سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای در مقایسه با دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها ۲. راحتی و سهولت کسب شغل متناسب با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی توسط دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای ۳. امکان به‌دست آوردن شغلی با سطح بالایی از رضایت توسط دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای ۴. کفایت دوره‌های تحصیلی فنی‌وحرفه‌ای برای تسلیح و تجهیز دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب، سطح مطلوبی از اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای را گواهی می‌دهد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش در وضعیت فعلی، دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای، اشتغال‌پذیری راحت‌تری نسبت به دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها دارند. دلیل آن را می‌توان در انطباق‌پذیری مهارت‌های سخت آنها با نیازهای متغیر بازار کار بیان کرد. برخلاف قاطبه رشته‌های دانشگاهی، آموزش عالی فنی‌وحرفه‌ای، هم‌سویی بیشتری با نیازهای بازار کار دارد. از این رو، جذب دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای، با سهولت بیشتری انجام می‌شود. سرمایه‌گذاری بیشتر در انواع

آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای، علاوه بر کمک به رفع مسائل و مشکلات کشور و تأمین نیروی انسانی متخصص، از هدررفت منابع مالی و انسانی کشور جلوگیری می‌کند. طبیعتاً زمانی که انتخاب رشته و مهارت، به شکل هدفمند باشد و مهارت‌های آموزشی، هم‌سو با شغل موردنظر باشد رضایت خاطر بیشتری برای جویندگان و دارندگان شغل فراهم می‌سازد و رضایت شغلی، یکی از مهم‌ترین عوامل در افزایش بازدهی و کارایی و ایجاد نگرش مثبت در فرد نسبت به محیط پیرامون، زندگی و کار است و تأثیر به‌سزایی بر روحیه و سرعت پیشرفت فرد دارد. بنابراین باید سیاست‌هایی برای هدایت هدفمند دانش‌آموزان در انتخاب رشته به سمت رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای از طریق راهنمایی‌ها و مشاوره‌های تحصیلی و فرهنگ‌سازی در جامعه در مورد ماهیت و اهمیت تأثیرگذاری این رشته‌ها صورت گیرد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش‌های هم‌سو؛ نظیر کلارک<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، سینگ<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۳)، درویشان، تسلیمی و حکیم‌زاده (۱۳۹۸) و شریفی اسدی و همکاران (۱۳۹۸) برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان، برنامه و اقدام سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان باید به‌طور هم‌زمان، معطوف بر توسعه مهارت‌های نرم و سخت و مهارت‌های شناختی و غیرشناختی باشد. اهمیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی در پرتو روابط و پیوندهای میان رشد اقتصادی و نیروی کار ماهر، به همراه رشد سریع دانش‌آموختگان آماده ورود به بازار کار، گسترش یافته است. به علاوه، بین اشتغال (به مفهوم به‌دست آوردن یک شغل مناسب) و اشتغال‌پذیری (به معنای تجهیز و تسلیح دانشجویان از طریق آموزش‌های دانشگاهی به دانش موضوعی و سایر ویژگی‌ها برای استخدام شدن در صورت وجود فرصت‌های شغلی در بازار کار یا وجود شرایط خوداشتغالی) تمایز وجود دارد. بر این مبنای، فرض اصلی این نیست که تمامی فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان به فعل و کارکرد دانشگاه‌ها وابسته است بلکه لازم است در پی شناخت این موضوع باشیم که چه جنبه‌هایی از فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی می‌توانند و باید در دانشگاه‌ها معرفی و متعالی شوند. به علاوه، هرچند دانشگاه‌ها نمی‌توانند برای اشتغال دانش‌آموختگان خود به انحای مختلف اقدام کنند، اما می‌توانند کار بزرگی در یاددهی-یادگیری، اخلاق و ارزش‌ها، تشویق و ترغیب و ترویج مشارکت مسئولانه دانشجویان در برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی و پُرکردن «شکاف‌های» سرمایه اجتماعی به‌منظور تقویت اشتغال‌پذیری، انجام دهند.

در واقع، اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان، تحت تأثیر طیف وسیعی از عوامل و ذی‌نفعان است و دانشگاه‌ها همچنان دارای نقش حیاتی در تقویت اشتغال‌پذیری و تجهیز و آماده‌سازی دانشجویان با دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، اعتماد و اخلاق و اطمینان به شناسایی و خلق فرصت‌های زیادی برای اشتغال هستند. هر چند مفهوم اشتغال‌پذیری به مفهوم آن نیست که دانشگاه‌ها باید برای اشتغال دانش‌آموختگان خود دست به هر کاری بزنند، اما برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان خود باید کارهایی را انجام دهند. از جمله محدودیت‌های این پژوهش (۱) پراکندگی محل کاری و دشواری دسترسی به معاونان در شهرهای مختلف (۲) همکاری نکردن برخی از معاونان در تکمیل پرسشنامه پژوهش (۳) نبود فردی شاغل در پست معاونت فرهنگی و اجتماعی در بعضی از مراکز.

در ادامه برخی توصیه‌های کاربردی برای ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان فنی‌و حرفه‌ای به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- با توجه پایین بودن سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی در غرب کشور باید اهتمام ویژه‌ای به آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی در تأسیس و گسترش آموزش‌دهنده‌ها و دانشکده‌ها و رشته‌های تحصیلی فنی‌و حرفه‌ای در این پهنه جغرافیایی کشور شود.

1 Clark

2 Singh

- با توجه به پایین بودن کفایت دوره‌های تحصیلی در مهارت‌افزایی برای کسب شغل مناسب در جنوب کشور پیشنهاد می‌شود که بازنگری در برنامه‌های درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و متناسب‌سازی آن با نیازهای بازار کار و توسعه برنامه‌های درسی و رشته‌های تحصیلی روزآمد مورد توجه قرار گیرد.
- با توجه ضعف امکانات و زیرساخت‌های دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای در سراسر کشور، تجهیز زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزای آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای به‌ویژه تجهیز و به‌روزرسانی تجهیزات و ادوات کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها توصیه می‌شود.
- با توجه به پایین بودن رضایت شغلی در غرب کشور پیشنهاد می‌شود با ایجاد مشوق‌های نظیر معافیت‌های مالیاتی، وام‌ها و غیره برای دانش‌آموختگان، بستری مناسب و تشویقی ایجاد شود.
- با توجه به پایین بودن سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان در شرق کشور، تعامل مستمر دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای با صنعت و ارائه دوره‌های کارآموزی دانشجویان در صنعت، ایجاد دوره‌های مشترک با صنعت در این منطقه کشور برای کمک به دانش‌آموختگان برای یافتن شغل پیشنهاد می‌شود.
- با توجه به پایین بودن روحیه کارآفرینی و غلبه فرهنگ پشت میزنشینی و رواج مدرک‌گرایی در جامعه، ترویج روحیه و فرهنگ نوآوری و کارآفرینی در آموزش‌شده‌ها و دانشکده‌ها و در سطح جامعه توصیه می‌شود.

## Reference

1. Aamodt, P. O., & Havnes, A. (2008). Factors affecting professional job mastery: Quality of study or work experience? *Quality in Higher Education*, 14(3), 233-248.
2. Altbeker, A., & Storme, E. (2013). Graduate unemployment in South Africa: A much exaggerated problem. Centre for Development and Enterprise.
3. Azevedo, A., Apfelthaler, G., & Hurst, D. (2012). Competency development in business graduates: An industry-driven approach for examining the alignment of undergraduate business education with industry requirements. *The International Journal of Management Education*, 10(1), 12-28.
4. Bigdeli, M., Keramati, M & Bazargan, A. (2012). Study of the relationship between the field of study and the employment status of graduates of the Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 65. (in persian)
5. Boden, R., & Nedeava, M. (2010). Employing discourse: universities and graduate 'employability'. *Journal of Education Policy*, 25(1), 37-54.
6. Bridgstock, R., & Jackson, D. (2019). Strategic institutional approaches to graduate employability: navigating meanings, measurements and what really matters. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 41(5), 468-484.
7. Briscoe, J. P., Henagan, S. C., Burton, J. P., & Murphy, W. M. (2012). Coping with an insecure employment environment: The differing roles of protean and boundaryless career orientations. *Journal of Vocational Behavior*, 80(2), 308-316.
8. Clark, H. (2013). A comprehensive framework for measuring skills gaps and determining work readiness. *Employment Relations Today*, 40(3), 1-11.
9. Cortellazzo, L., Bonesso, S., Gerli, F., & Batista-Foguet, J. M. (2020). Protean career orientation: Behavioral antecedents and employability outcomes. *Journal of Vocational Behavior*, 116, 103343.
10. Cranmer, S. (2006). Enhancing graduate employability: best intentions and mixed outcomes. *Studies in higher education*, 31(2), 169-184.
11. Darvishan, A., Taslimi, M & Hakimzadeh, R. (2019). Designing the Employability Skills Model of Higher Education Graduates in the Country: A Case Study: Small and Medium Enterprises in Tehran Province. *Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 10 (19). (in persian)
12. De Vos, A., & Soens, N. (2008). Protean attitude and career success: The mediating role of self-management. *Journal of Vocational behavior*, 73(3), 449-456.

13. Etzkowitz, H. (2016). The entrepreneurial university: vision and metrics. *Industry and Higher Education*, 30(2), 83-97.
14. Hofstetter, H., & Rosenblatt, Z. (2017). Predicting protean and physical boundaryless career attitudes by work importance and work alternatives: regulatory focus mediation effects. *The International Journal of Human Resource Management*, 28(15), 2136-2158.
15. Jackson, D., & Bridgstock, R. (2018). Evidencing student success in the contemporary world-of-work: Renewing our thinking. *Higher Education Research & Development*, 37(5), 984-998.
16. Kalfa, S., & Taksa, L. (2015). Cultural capital in business higher education: reconsidering the graduate attributes movement and the focus on employability. *Studies in Higher Education*, 40(4), 580-595.
17. Korber, M., & Oesch, D. (2019). Vocational versus general education: Employment and earnings over the life course in Switzerland. *Advances in Life Course Research*, 40.
18. Lord, R., Lorimer, R., Babraj, J., & Richardson, A. (2019). The role of mock job interviews in enhancing sport students' employability skills: An example from the UK. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 25, 100195.
19. Lotfi Jalalabadi, M., Farhadi, A., Ravaei, S & Saltanat, M. (2019). Designing a skills-based model for technical and vocational students using data-based theory. *Karafen Journal*, 46. (in persian)
20. Mehdi, R & Barani, S. (2019). Analysis of the position of technical and vocational education and skills in the comprehensive scientific map of the country. *Karafen Journal*, 46. (in persian)
21. Naderi Mehdi, K., Zuleikhaei Sayar, L & Pouya, M (2015). Study of Employment of Female Students: New Strategies for Strengthening the Presence of Women in the Labor Market. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 21 (4). (in persian)
22. Pouratashi, M. (2018). Evaluation of strengths and strategies to improve the employability of agricultural students. *Journal of Agricultural Education Management Research*, 10. (in persian)
23. Rothwell, A., Jewell, S., & Hardie, M. (2009). Self-perceived employability: Investigating the responses of post-graduate students. *Journal of vocational behavior*, 75(2), 152-161.
24. Salehi Omran, I. & Rahmani, E. (2013). The issue of employment of graduates of higher education and the need to pay attention to job-creating skills in the labor market in higher education planning. *Quarterly Journal of the Higher Education Association*, 5 (3). (in persian)
25. Sepahvand, R., Solgi, Z & Akbari Pashm, F. (2015). The Impact of Diverse Career Orientation and Planning on Employability of Higher Education Graduates. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24 (1). (in persian)
26. Sharifi Asadi, F., Khorasani, A, Fathi Vajargah, K & Salehi Omran, E (2019). Determining the components of graduates' employability with a mixed exploratory approach. *Quarterly Journal of Theory and Practice in the Curriculum*, 7 (13). (in persian)
27. Singh, G. K. G., & Singh, S. K. G. (2008). Malaysian graduates' employability skills. *UNITAR e-Journal*, 4(1), 15-45.
28. Singh, P., Thambusamy, R., Ramly, A., Abdullah, I. H., & Mahmud, Z. (2013). Perception differential between employers and instructors on the importance of employability skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 90, 616-625.
29. Smith, M., Bell, K., Bennett, D., & McAlpine, A. (2018). Employability in a global context: Evolving policy and practice in employability, work integrated learning, and career development learning.
30. Tsitskari, E., Goudas, M., Tsalouchou, E., & Michalopoulou, M. (2017). Employers' expectations of the employability skills needed in the sport and recreation environment. *Journal of hospitality, leisure, sport & tourism education*, 20, 1-9.
31. Walker, M. & McLean, M. (2013). Professional Education, Capabilities and Contributions to the Public Good: The Role of Universities in Promoting Human Development. London: Routledge.
32. Walker, M. (2015). Employability and diverse student's opportunity sets. In *Seminar paper presented at the University of Bath*, 8.
33. Yorke, M., & Knight, P. (2007). Evidence-informed pedagogy and the enhancement of student employability. *Teaching in higher education*, 12(2), 157-170.